

## بررسی مکی یا مدنی بودن سوره عادیات (با تأکید بر فضای نزول سوره)

قاسم فائز<sup>۱</sup>، عماد صادقی<sup>۲\*</sup>

۱. دانشیار دانشگاه تهران؛ گروه علوم قرآن و حدیث

۲. دانشجوی دکتری رشته تفسیر تطبیقی؛ دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

(تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۳)

### چکیده

سوره عادیات یکی از سوره‌های اختلافی از نظر مکی و مدنی بودن است که اگر مکان نزول سوره تعیین شود، در تفسیر و شناخت بهتر آن نقش به‌سزایی دارد. برخی از مفسران به دلیل سوگندهای ابتدایی در خصوص اسبان جنگی، آن را مربوط به جهاد دانسته‌اند که در مدینه واجب شده است. همچنین روایاتی که نزول سوره را بعد از غزوه ذات‌الاسلاسل دانسته، آن را مدنی می‌داند. اما با دقت در سبک سوره که به روش سوره‌های مکی نازل شده و روایات صحیح در خصوص مکی بودن آن، مشخص می‌شود این سوره مکی است و آیات ابتدایی سوره که در خصوص جنگ است، ربطی به جهاد ندارد تا دلیل مدنی بودن آن باشد. همچنین دلیل دیگر بر مکی بودن سوره، بحث محتوایی آن است که در آن سخن از معاد و قیامت مطرح شده که خود از ویژگی‌های سوره‌های مکی است و در نقلی موثق از امام علی علیه السلام آمده است که عادیات وصفی برای شتران در حج است. حال اگر عادیات به معنای اسب هم باشد، باز به معنای اسب جنگی است که با اسب جهادی متفاوت است؛ زیرا اسب جنگی در فرهنگ جاهلیت در بین اهل مکه جایگاهی ویژه داشته است.

### واژگان کلیدی

اسب جنگی، اسب جهادی، سوره عادیات، شأن نزول، مکی و مدنی.

## طرح مسئله

اهمیت مکی یا مدنی بودن سوره‌ها، به‌لحاظ شناخت ناسخ و منسوخ، کشف مفاهیم و مدلول صحیح آیات، زمان تشریح احکام و شناخت شأن نزول آیات اهمیت دارد. برای تشخیص زمان نزول یک سوره می‌توان مواردی را مدنظر قرار داد؛ از جمله نقل و روایت، محتوای سوره، اشاره آیه به مکان یا افراد خاص و ویژگی‌ها و روشی که خاص سوره‌های مکی یا مدنی است. اما گاه برداشت‌هایی که از آیات می‌شود، مفسران را به اشتباه انداخته و آن برداشت غلط را به‌عنوان اماره‌ای بر مکی یا مدنی بودن یک سوره گرفته‌اند. سوره‌عادیات از جمله این سوره‌هاست که به دلیل اشاره به اسبان جنگی در آن، برخی مفسران آن را دلیلی بر مدنی بودن سوره دانسته‌اند؛ به این دلیل که سخن از جنگ و جهاد در دوران مدینه مطرح بوده است. این تحقیق درصدد است با بررسی روایات ترتیب نزول و سبب نزول و ضوابط و ویژگی‌های سوره‌ها، مکی یا مدنی بودن سوره را مشخص کند تا از این راه از برداشت‌های مفهومی اشتباه از سوره پیشگیری شود.

### ۱. گزارش اختلافی بودن سوره

عده‌ای نزول سوره‌عادیات را در مکه و گروهی دیگر، نزول آن را در مدینه دانسته‌اند. اما برخی این سوره را در شمار سوره‌های اختلافی برشمرده‌اند؛ از جمله سیوطی (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۶۹) و آیت‌الله معرفت (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۶۰). با بررسی‌های صورت‌گرفته، علت بروز اختلاف را باید در روایات ترتیب نزول و سبب نزول سوره جست‌وجو کرد.

### ۲. روایات ترتیب نزول

روایات ترتیب نزول این سوره را در دو دسته مکی و مدنی به ترتیب تاریخی گزارش می‌کنیم.

## ۱.۲. روایات مکی بودن

روایت علی بن ابی طالب رضی الله عنه از طریق سعید بن مسیب (جفری، ۱۳۹۲، ص ۱۴-۱۵)؛  
روایت علی بن ابی طالب رضی الله عنه از طریق مقاتل (شهرستانی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۳۳)؛  
روایت عبدالله بن عباس از طریق عطاء (ضریس، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱)؛ روایت ابن عباس از  
طریق ابن جریج از عطاء (همان، ص ۱۷)؛ روایت عطاء خراسانی (ماوردی، بی تا، ج ۶،  
ص ۴۳۸)؛ روایت ابی شیبیه از عطاء (همان، ج ۴، ص ۴۳۸)؛ روایت مجاهد (ابن ندیم، بی تا،  
ص ۲۸)؛ روایت عکرمه و حسن بصری (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۱۴۲)؛ قتاده (سیوطی،  
۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۶۰)؛ روایت محمد بن نعمان (زهری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ق ۳۸)؛ روایت علی  
بن ابی طلحه (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۶۰)؛ روایت ابن واقد (شهرستانی، ۱۳۷۶، ج ۱،  
ص ۱۲۸-۱۳۱)؛ و زهری (زهری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۸).

بیشتر روایات ترتیب نزول این سوره را در مکه و بین دو سوره عصر و کوثر، یعنی  
چهاردهمین سوره در ترتیب نزول دانسته‌اند (همانجا).

### ۱.۱.۲. بررسی روایات مکی بودن سوره

با بررسی این دست روایات که خود در شناخت مکی یا مدنی بودن سوره‌ها نقش به‌سزایی  
دارند، مکی بودن سوره به دست می‌آید؛ تنها چند روایت مدنی بودن سوره را بیان کرده‌اند  
که با نقدی جدی روبه‌رو هستند.

### ۲.۲. روایان مدنی بودن سوره و نقد آنها

روایت ابن عباس از طریق ابوصالح (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۴۳)؛ روایت مقاتل (شهرستانی،  
۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۳۳)؛ و روایت ضحاک (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۹۵).

### ۱.۲.۲. نقد روایات مدنی بودن سوره

الف) روایت ابوصالح از ابن عباس که مدنی بودن سوره را بیان می‌کند (یعقوبی، بی تا، ج ۲،  
ص ۴۳) با روایت عطاء از ابن عباس که مکی بودن سوره را روایت می‌کند (ابن ضریس،

۱۴۰۸ق، ص ۱۷؛ ابن ندیم، بی تا، ص ۲۸) مغایرت دارد. همچنین روایت ابن جریج از عطاء و او از ابن عباس که نام سوره‌های مدنی و ترتیب نزول آنها را بیان می‌دارد، ولی ذکری از سوره‌های عادیات به میان نمی‌آورد (همان، ص ۲۸) دلیلی بر مکی بودن سوره است. همان‌گونه که گذشت، در مکی یا مدنی بودن سوره اختلاف وجود دارد (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۶۹؛ معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۶۰)، ولی بیشتر روایات ترتیب نزول، به‌ویژه روایات مشهور ترتیب نزول و بیشتر مفسران و قرآن‌پژوهان بر مکی بودن سوره هم‌سخن شده‌اند. از این رو، مکی بودن سوره شهرت و قوت بیشتری دارد و تنها روایت ترتیب نزولی که بر مدنی بوده سوره ایستاده، روایت ابوصالح است که طریق آن در بین طرقتی که به ابن عباس می‌رسد، ضعیف‌ترین طریق به شمار می‌آید (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۷۱). در ضمن سیوطی در تفسیر خود از ابن مردویه از ابن عباس روایتی نقل می‌کند که سوره را مکی می‌داند (همو، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۵۹۹).

ب) روایت مقاتل. شهرستانی می‌گوید: احتمال می‌رود او روایت خود را از ابوصالح از ابن عباس نقل کرده باشد؛ زیرا محتوای هر دو روایت یکی است. سیوطی می‌گوید: قول مشهور در روایات ترتیب نزول این است که این سوره، چهاردهمین سوره نازل شده در مکه است (همو، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۹) و این همان ترتیب عطاء از ابن عباس است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱۳) که با روایت جابر بن زید تکمیل شده است و قرآن‌پژوهانی چون دروزه و معرفت بر این نظر ایستاده‌اند (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۵؛ معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۵). ابن عاشور روایت جابر بن زید را در مکی بودن سوره تأیید می‌کند (ابن عاشور، بی تا، ج ۳۰، ص ۴۳۸).

### ۳. روایات و اقوال مفسران

دیدگاه‌های مفسران را بر اساس ترتیب تاریخی گزارش می‌کنیم:

### ۱.۳. مکی بودن سوره در نظر مفسران

مفسرانی که به مکی بودن سوره نظر دارند، از این قرارند: ابن مسعود (ماوردی، بی تا، ج ۶، ص ۳۲۳)؛ جابر (همان)؛ عکرمه و حسن بصری (همان)؛ عطاء (همان)؛ روایت مقاتل بن سلیمان (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۷۹۹)؛ ماتریدی (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۰، ص ۶۰۰)؛ سمرقندی (سمرقندی، بی تا، ج ۳، ص ۶۰۸)؛ ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۲۶۸)؛ واحدی (واحدی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۵۴۴)؛ سمعانی (سمعانی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۷۰)؛ بغوی (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۹۵)؛ زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۸۶)؛ ابن عطیه (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۵۱۳)؛ ابن جوزی و قرطبی با سند از ابن مسعود و عطاء و عکرمه و جابر مکی بودن سوره را بیان می کنند (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴۸۰؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۲۰، ص ۱۵۳)؛ فخر رازی (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۵۸)؛ ابن جزی (ابن جزی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۰۵)؛ خازن از قول ابن مسعود مکی بودن سوره را بیان می دارد (خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۶۰)؛ ابوحفص حنبلی دمشقی با سند (حنبلی دمشقی، ۱۴۱۹، ج ۲۰: ۴۵۴)؛ ثعلبی که نظر اجماع را بر مکی بودن سوره می داند و مدنی بودن آن را با عبارت «قیل» ضعیف می دارد (ثعلبی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۶۱۸)؛ سیوطی نقل می کند که ابن مردویه به نقل از ابن عباس سوره را مکی می داند (سیوطی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۵۹۹)؛ مظهري بدون سند (مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۳۲۶)؛ به تصریح طوسی سوره در قول ابن عباس مکی است (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۹۵)؛ ابوالفتوح رازی سخنی مانند طوسی بیان می کند؛ (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۳۷۱)؛ شوکانی با سند از ابن مسعود و جابر و حسن و عکرمه و عطاء مکی بودن سوره را بیان می دارد و در آخر، سخن ابن مردویه را از ابن عباس در مکی بودن سوره گزارش می کند (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۵۸۷).

### ۲.۳. بررسی گفتار مفسران

بدین ترتیب، بیشتر مفسران شیعه و سنی با سند، و تعداد کمتری بدون سند به مکی بودن سوره حکم کرده‌اند. همان‌طور که از بزرگان صحابه و تابعین ذکر شد، سوره را مکی دانسته‌اند. مفسرانی هم که سوره را مدنی پنداشته‌اند، با عبارت «قیل» که نشان از ضعیف بودن قول مدنی بودن است و بیشتر به دلیل سبب نزول وارد شده سوره را مدنی دانسته‌اند که از آن بحث خواهیم کرد.

### ۳.۳. نقد و بررسی گفتار مفسران در مدنی بودن سوره

مفسرانی از جمله ابن‌عباس (ماوردی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۲۳)؛ ضحاک (همان)؛ قتاده (ابن جوزی، ۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴۸۰)؛ مقاتل (همان)؛ قرطبی با سند (قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۲۰، ص ۱۵۳)؛ نیشابوری (نیشابوری، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۵۴۹)؛ طبرسی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۰۱)؛ طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۴۴) سوره عادیات را مدنی می‌دانند.

### ۴.۳. نقد و بررسی روایات

درباره روایت ابن‌عباس باید گفت: در بررسی روایات ترتیب نزول بیان شد که از ابن‌مردویه از ابن‌عباس و همچنین از عطاء از ابن‌عباس مکی بودن سوره رسیده و روایات سبب نزول رسیده از ابن‌عباس که در ادامه خواهد آمد و همچنین ضوابط و خصایص سوره‌های مکی و مدنی، قول به مکی بودن سوره را تقویت می‌کند.

درباره روایت ضحاک باید گفت: هم‌عصران وی از تابعان، همچون مجاهد و عکرمه و حسن و عطاء، مکی بودن سوره را گزارش کرده‌اند که با روایت ضحاک در تعارض است. در این خصوص می‌توان افزود که روایات سبب نزول سوره و ضوابط و خصایص مکی و مدنی بودن سوره‌ها، قول به مکی بودن را ترجیح می‌دهد.

درباره روایت قتاده که سوره را مدنی دانسته باید گفت: در روایت ترتیب خود با نیاوردن سوره ذیل سوره‌های مدنی، به مکی بودن سوره عادیات حکم داده است (سیوطی،

۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۶۰) و مستند قتاده در مدنی بودن سوره، روایت ضعیفی است که قابل اعتنا نیست (همو، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۸۳).

درباره روایت مقاتل بیان شد که به احتمال زیاد با روایت ابوصالح یکی است؛ زیرا متن هر دو روایت یکی است. به گفته سیوطی در الاتقان طریق ابوصالح از ابن عباس ضعیف‌ترین طریق است (همو، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۷۱). مفسرانی چون قرطبی با سند قتاده و مقاتل مدنی بودن سوره را بیان کرده‌اند (قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۲۱، ص ۱۵۳)؛ درحالی‌که سیوطی از قتاده و مقاتل، مدنی بودن سوره را روایت کرده است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۶۰).

نیشابوری بدون سند به مدنی بودن سوره حکم کرده است که نمی‌توان به سخن او اعتنایی کرد؛ زیرا اجتهادی بیش نیست.

علامه طباطبایی سوره عادیات را بر اساس روایات و سیاق در شمار سوره‌های مدنی برمی‌شمارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۴۴). در نقد دیدگاه علامه می‌توان گفت: عایشه بنت الشاطی در تفسیر خود فضای نزول سوره عادیات را این‌گونه ترسیم می‌کند و بر مکی بودن سوره بر اساس محتوا تأکید دارد: سوره با ترسیم صحنه سریعی از غارت بی‌رحمانه و ناگهانی آغاز می‌شود. قومی که صبحگاهان مورد هجوم ناگهانی قرار می‌گیرند و مردم از آن باخبر نمی‌شوند، مگر در حالی که مهاجمان در وسط جمع آنان قرار گرفته و آنها را در میان غباری به هوا برخاسته به این طرف و آن طرف پراکنده می‌کنند. این تصویر سخت و شدید بعد از او قسم آمده است تا نظرها را به غارت‌های ناگهانی صبحگاهان که مردم در گذشته با آن آشنا بودند و نیز حوادثی که با این غارت‌ها به وجود می‌آمد، همچون پراکندگی و سردرگمی جلب کند. منظور بنت الشاطی از این سخن این است که در این سوره بحثی از جهاد به میان نیست، بلکه از جنگی صحبت به میان می‌آورد که به‌طور ناگهانی آغاز می‌شود. هدف از این بیان قرآن، هشدار به مردم است که از معاد و برپایی قیامت غافل نباشند. پس همان‌طور که جنگ، ناگهانی آغاز می‌شود، قیامت نیز ناگهانی بر پا

خواهد شد که در آیات پایانی این سوره بیان شده است (بنت الشاطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۳).

محتوای سوره بر اساس اینکه سوره‌های مکی معمولاً درباره مبدأ و معاد سخن گفته‌اند و سوره‌های مدنی نیز از معاد و قیامت سخن به میان آورده است، خود دلیلی دیگر بر مکی بودن این سوره است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۳۱۹). بر اساس روایات، و سبب نزول این سوره و ضوابط و ویژگی‌هایی که برای سوره‌های مکی مطرح کرده‌اند - که در ادامه بیان می‌گردد - قول به مکی بودن این سوره برتری دارد؛ در ضمن روایاتی که نزول این سوره را بعد غزوه ذات السلاسل دانسته‌اند، در ادامه نقل و نقد خواهد شد.

#### ۴. روایات سبب نزول

درباره این سوره چندین سبب نزول گزارش شده که بیان و بررسی می‌شود.

##### ۱.۴. روایات سبب نزول مدنی بودن سوره و نقد و بررسی آنها

درباره آیات اولیه این سوره سه سبب نزول بیان شده است:

##### الف) روایت اول

قال مقاتل: بعث رسول الله - صلى الله عليه وسلم - (سريّةً إلى حىّ من كنانة)، و استعمل عليهم (المُنذر بن عمرو الأنصاري). فتأخّر خبرهم، فقال المنافقون: قُتلوا جميعاً. فأخبر الله تعالى عنها، فأُنزل [الله تعالى]: وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحاً.

مقاتل گوید: رسول خدا ﷺ سريه‌ای به سرکردگی منذر بن عمرو انصاری به سوی طایفه‌ای از کنانه گسیل داشته بود. دیری نگذشت و از آنها خبری نشد و منافقان گفتند: همگی کشته شده‌اند. خداوند با فرستادن آیات ۱-۵ این سوره، پیامبر را از حال آنها با خبر ساخت (واحدی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۸۹).



### ب) روایت دوم

أخبرنا عبد الغافر بن محمد الفارسی، أخبرنا أحمد بن محمد البستی، حدثنا محمد بن مکی، حدثنا إسحاق بن إبراهيم، حدثنا أحمد بن عبدة، حدثنا حفص بن جميع، حدثنا سيماء، عن عكرمة، عن ابن عباس: أن رسول الله - صلى الله عليه و سلم - بعث خيلاً، فأسهمت شهراً لم يأتها منها خبر. فنزلت: وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحاً إِلَى آخِرِ السُّورَةِ.

رسول خدا ﷺ سربهای را گسیل داشته بود. ماهی گذشت و از اعزام شدگان به آن خبری نشد تا اینکه خداوند آیات وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحاً را تا آخر سوره نازل کرد (همان).

### ج) روایت سوم

قيل نزلت السورة لما بعث النبي ص علياً عليه السلام إلى ذات السلاسل فأوقع بهم و ذلك بعد أن بعث عليهم مرارا غيره من الصحابة فرجع كل منهم إلى رسول الله ﷺ و هو المروى عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث طويل قال و سميت هذه الغزوة ذات السلاسل لأنه أسر منهم و قتل و سبي و شد أسراهم في الحبال مكتفين كأنهم في السلاسل و لما نزلت السورة خرج رسول الله ص إلى الناس فضلى بهم الغداء و قرأ فيها و العاديات فلما فرغ من صلاته قال أصحابه هذه سورة لم نعرفها فقال رسول الله ص نعم إن عليا ظفر بأعداء الله و بشرني بذلك جبرئيل عليه السلام في هذه الليلة فقدم علي عليه السلام بعد أيام بالغنائم و الأسارى.

این سوره هنگامی نازل شد که رسول خدا ﷺ، علی بن ابی طالب علیه السلام را به سوی قبیله ذات سلاسل فرستاد، بعد از آنکه چندین بار دیگران را فرستاده بود و همه با شکست مواجه شدند، تا آنکه پیامبر ﷺ، علی بن ابی طالب علیه السلام را به سوی آنها فرستاد و از ابی عبدالله علیه السلام همین روایت در حدیث طولانی بیان شده است. این غزوه را ذات سلاسل نام نهادند؛ بدان دلیل که عده‌ای کشته شدند و عده‌ای نیز اسیر گشتند و اسیران ایشان را با ریسمان بسته بودند؛ مانند اینکه آنها در زنجیر بودند؛ و هنگامی این سوره نازل شد، پیامبر ﷺ با مردم نماز صبح به جماعت به جا آوردند و حضرت در نماز سوره عادیات را

تلاوت کردند. هنگامی که نماز به پایان رسید، مردم گفتند: ما این سوره را نمی‌شناسیم، پیامبر ﷺ فرمود: علی رضی الله عنه بر دشمنان پیروز شد و جبرئیل امشب پیروزی علی رضی الله عنه را به من بشارت داد. چند روزی گذشت، دیدند علی رضی الله عنه با اسیرانی که گرفته بودند و غنایم جنگی برگشتند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۸۰۳).

#### ۲.۴. نقد روایات سبب نزول

این سه روایت همگی به سربیه‌هایی اشاره دارند که در مدینه روی داده است. از این رو، چندی از تفاسیر چون مجمع‌البیان، نمونه و التحریر و التنویر بر پایه همین روایات بر مدنی بودن آن حکم کرده‌اند؛ حال آنکه روش هشدار و تهدید، نظم بسیار آهنگین و محتوای سوره، بر مکی بودن آن دلالت دارد. گذشته از این، روایات یادشده از نظر سندی مخدوش‌اند و برخی از مفسران با وجود نقل آنها در کتاب‌های تفسیری خود، به سند غیرقابل اعتماد آنها اذعان کرده‌اند. برای نمونه، ابن‌کثیر سند این روایت را بسیار غریب و ناآشنا می‌داند (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۴۴۶). روایت سوم نیز، هم از نظر سند نامعتبر است و هم از نظر متن به صورت مرسل از امام صادق رضی الله عنه نقل شده است؛ زیرا طریق طبرسی تا آن حضرت مشخص نیست و عبارت «فی حدیث طویل» در متن حدیث، از افتادگی بخشی از حدیث خبر می‌دهد. این روایت در کتاب‌های حدیث نیز به همین صورت گزارش شده است (مجلسی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۶۶؛ نمازی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۹۶).

بنابراین، به این روایات نمی‌توان به‌عنوان روایت سبب نزول سوره اعتماد کرد؛ زیرا در سند آن افرادی ضعیف و ناموثق وجود دارند یا روایت آنها به‌طور مرسل بیان شده است.

#### ۳.۴. اسباب نزول دال بر مکی بودن سوره و بررسی آنها

در برابر سبب نزول مدنی بودن سوره، سبب نزولی از ابن‌عباس و سعید بن جبیر رسیده که سوره را مکی نشان می‌دهد و چنین گزارش شده است:

حدثنی یونس بن عبدالاعلی الصدق، قال: أخبرنا ابن وهب، قال: أخبرنا أبو صخر عمر بن حنظله، عن أبي معاوية الجلی، عن سعید بن جبیر، عن ابن عباس، حدثه قال: بینما أنا فی الحجر جالس، أتانی رجل یسأل عن العادیاتِ ضَبْحاً فقلت له: الخیل حین تغیر فی سبیل الله،..... فانفتل عنی، فذهب إلى علی بن أبی طالب رضی الله عنه وهو تحت سقایة زمزم، فسأله عن العادیاتِ ضَبْحاً فقال: سألت عنها أحداً قبلی؟ قال: نعم، سألت عنها ابن عباس، فقال: الخیل حین تغیر فی سبیل الله، قال: اذهب فادعه لی فلما وقفت علی رأسه قال: تفتی الناس بما لا علم لك به، والله لكانت أول غزوة فی الإسلام لبدر، وما كان معنا إلا فرسان: فرس للزبیر، و فرس للمقداد فكیف تكون العادیات ضبحا إنما العادیات ضبحا من عرفة إلى مزدلفة إلى منی قال ابن عباس: فنزعت عن قولی، و رجعت إلى الذی قال علی رضی الله عنه.

ابن عباس نقل می کند: من در کنار سنگ (حجرالاسود) نشسته بودم که مردی به طرفم آمد و از «العادیاتِ ضَبْحاً» پرسید. به او گفتم: یعنی اسبها و جهادگران مسلمان هنگامی که در راه خدا می تازند. پس او از پیش من به سوی علی بن ابی طالب رفت، در حالی که ایشان کنار چشمه زمزم نشسته بود. درباره «العادیاتِ ضَبْحاً» از وی پرسید. ایشان فرمود: آیا قبل از من از کسی درباره این موضوع پرسیده‌ای؟ گفتم: بله از ابن عباس پرسیدم و او گفت: اسبها و جهادگران مسلمان که در راه خدا می تازند. علی رضی الله عنه فرمود: برو به ابن عباس بگو نزد من بیاید. هنگامی که پیش علی رضی الله عنه رفتم، فرمود: آیا مردم را به چیزی که بدان علم نداری فتوا می دهی؟ به خدا قسم! اولین غزوه‌ای که در اسلام روی داد، جنگ بدر بود؛ درحالی که نزد ما تنها دو اسب بود؛ اسبی برای زبیر و اسبی برای مقداد. پرسیدم: پس معنای «العادیاتِ ضَبْحاً» چه می شود؟ فرمود: مراد از آن، شترهای نفس‌زنان است که از عرفة به سمت مُزدلفه و سپس منا می روند. ابن عباس گفت: من از نظر خود دست کشیدم و به گفته علی برگشتم و با ایشان هم‌نظر شدم (طبری، ۴۲۰، ج ۳۰، ص ۳۴۷).

### ۱.۳.۴. بررسی روایت سبب نزول

سند این روایت به دلیل وجود سعید بن جبیر از بهترین طرق روایی ابن عباس شمرده می‌شود (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۷۱). همچنین راویان این روایت از راویان موثق و قابل اعتماد علمای رجال و حدیث‌شناسان هستند؛ به گونه‌ای که در شرح حال یونس بن عبدالاعلی الصدف آمده است که او را در حفظ و ثبت احادیث ثقه دانسته‌اند و همچنین از نظر عقل وی را توثیق کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۴۸۱). نیز در شرح حال ابن وهب چنین گزارش شده که او محدث، فقیه، عابد، حافظ، ثقه و مجتهد بوده است (زرکلی، ۲۰۰۲م، ج ۴، ص ۱۴۴). یا در شرح حال سعید بن جبیر آمده که مورد ستایش امام علی علیه السلام بوده و دانشوران رجالی او را راست و درست دانسته‌اند (حلی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷). ابومعویه عمار بن خَبَّاب دهنی بجلی (د. ۱۳۳ق) نیز محدث نامی است که گرچه دلیل قطعی بر تشیع او در دست نیست، به یقین از دوستان اهل بیت علیهم السلام بوده است و احمد بن حنبل و برخی از رجال‌نویسان او را توثیق کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۲ق، ج ۶، ص ۱۳۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ج ۷، ص ۴۰۶). ابوصخر عمر بن حنظله هم از اصحاب امام صادق علیه السلام است و از ثقات محدثان شیعه شمرده می‌شود (شبستری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۴۷).

بدین ترتیب، به این روایت می‌توان به عنوان سبب نزول سوره عادیات اعتماد کرد و از این رو، سوره را مکی دانست. در تأیید این روایت به عنوان سبب نزول سوره، دو روایت دیگر رسیده است:

#### الف) روایت اول

حدثني محمد بن عمرو، قال: ثنا أبو عاصم، قال: ثنا عيسى و حدثني الحرث، قال: ثنا الحسن، قال: ثنا ورقاء، جميعا عن ابن أبي نجيح، عن مجاهد، في قول الله: وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا قال: قال ابن مسعود: هو في الحج (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۱۷۷).

## ب) روایت دوم

أبی بن کعب عن النبی ص قال من قرأها أعطی من الأجر عشر حسنات بعدد من بات بالمزدلفة و شهد جمعا (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۰۱).

## ۲.۳.۴. بررسی روایات

روایت نخست از ابن مسعود گزارش شده و سوره عادیات را درباره حجاج مسلمان خانه خدا دانسته است، و روایت دوم که از روایات فضایل سوره هاست، بر ارتباط سوره با مناسک حج اشاره دارد؛ زیرا ثواب قرائت کننده سوره عادیات را به اندازه ثواب کسی می داند که شب در مزدلفه بماند و همانجا شهید شود. از آنجا که فضایل سوره ها با محتوای آنها مرتبط است، می توان از این روایت نتیجه گرفت که سوره عادیات درباره مزدلفه و مناسک حج است. همچنین تأویلاتی درباره آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» رسیده است و مراد از انسان را ولید بن مغیره یا قرط بن عبدالله بن عمرو بن نوفل القرشی دانسته اند (ابن جوزی، زادالمسیر، ج ۴، ص ۴۸۱) که از سران مشرکان مکه بودند. البته واژه عادیات از نظر لغوی تنها به شتر اختصاص ندارد، بلکه می تواند وصف برای حیوانات دیگر، به ویژه اسب باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۴۰۱). از این رو، منعی وجود ندارد که سوره عادیات مکی و عادیات وصفی برای اسبان باشد؛ ولی این معنا مستلزم اشاره آیات به پدیده جهاد و در نتیجه مدنی بودن سوره نیست؛ بلکه اشاره آیات به اسب جنگی است که با اسب جهادی تفاوت دارد و جایگاه مهمی در فرهنگ و زندگی جاهلیت داشته است. بنابراین، از جمع این دیدگاه ها برمی آید که سوره عادیات در مکه نازل شده و بعد از سوره عصر، چهاردهمین سوره نازل شده است.

## ۵. سوره عادیات از نظر ضوابط و ویژگی های سوره های مکی

ضوابط و ویژگی های سوره ها که به صورت قیاسی بیان شده، در شناخت آیات و سوره های مکی از مدنی و بالعکس کمک شایانی می کند. در این بخش به ذکر این ضوابط و ویژگی ها در سوره عادیات می پردازیم.

## ۱.۵. سوره عادیات در ضوابط سوره‌های مکی

این سوره را بر اساس ضوابط سوره‌های مکی بررسی می‌کنیم: هر سوره‌ای که در دسته‌ای از سوره‌های مفصل قرار گیرد (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۷۰؛ زرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۷-۱۹۸؛ حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۶۴-۱۶۵) که سوره عادیات قطعاً در این ضابطه داخل می‌شود.

## ۲.۵. سوره عادیات در ویژگی‌های سوره‌های مکی

ویژگی‌های سوره را در دو بخش اسلوبی و موضوعی گزارش می‌کنیم.

### ۱.۲.۵. ویژگی‌های اسلوبی

الف) کوتاهی آیات و سوره‌ها (زرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳؛ صالح، ۱۳۷۲، ص ۱۸۳؛ حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۶۸). سوره عادیات بدون شک این ویژگی اسلوبی را داراست.  
ب) کثرت اسلوب تأکید و الفاظ تثبیت معنا؛ همانند سوگند بسیار، تشبیه، ضرب‌المثل (حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۶۸). به کار رفتن قسم که خود قرینه‌ای بر مکی بودن آن است؛ مثل آیات یکم تا پنجم: «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا» یا بهره‌گیری از اسلوب تأکید در آیات ششم تا هشتم و نیز آیه یازدهم: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ \* وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكَ لَشَهِيدٌ \* وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» و «إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ».

دسته نخست (آیات یکم تا هشتم): این دسته از آیات بر اسلوب قسم و جواب قسم آمده‌اند. پنج آیه نخست بخش قسم را تشکیل می‌دهند و آیات ششم تا هشتم، جواب قسم پنج آیه نخست هستند. ارتباط لفظی میان آیات این دسته به آسانی قابل اثبات است؛ به گونه‌ای که پنج آیه نخست سوره با حرف فاء به یکدیگر عطف شده‌اند. آیه ششم، جواب قسم پنج آیه نخست است و آیات هفتم و هشتم به آیه ششم عطف شده‌اند. آهنگ مشابه این دسته از آیات، تأییدی بر پیوند آنها با یکدیگر است؛ به گونه‌ای که پنج آیه نخست با آهنگ «أ» پایان یافته است و آیات هفتم و هشتم با آهنگ مشابه «ید» به آیه ششم عطف

شده‌اند. این دسته از آیات ناسپاسی و ناشکری انسان‌ها را یادآور می‌شود و با سوگندهای پنجگانه، به شدت پلیدی و زشتی این صفت را یادآور می‌گردد و آن را برخاسته از مال‌دوستی و پول‌پرستی انسان می‌داند: «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ».

دسته دوم (آیات نهم تا یازدهم): این دسته از آیات، در قالب جملات شرط و جواب شرط، به انسان ناسپاس هشدار می‌دهد و تهدید می‌کند که در روز رستاخیز انسان‌ها دوباره زنده می‌شوند و نتایج و دستاوردهای زندگی دنیای آنها آشکار می‌گردد و خداوند به سرنوشت ایشان در آن روز آگاه است: «أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ - وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ - إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ». بنابراین، محتوای این دسته به محتوای دسته نخست پیوند می‌خورد و هشدار و تهدیدی است بر زشتی ناسپاسی انسان که در دسته نخست بدان اشاره شد.

آیات این دسته با حرف عاطفه «واو» به یکدیگر عطف شده‌اند و آیه یازدهم با ضمیر «هم» به آیات پیشین پیوند خورده است؛ به گونه‌ای که این ضمیر به واژه «صدور» در آیه دهم یا «قبور» در آیه نهم برمی‌گردد. در این دسته، آیه نخست جمله شرط است و آیه دوم به آیه نخست عطف شده است و آیه سوم، جواب شرط می‌باشد. بنابراین، آیات این دسته در سیاق شرط پیاده شده، عناصر شرط، اعم از ادات شرط، جمله شرط و جواب شرط چونان یک بسته به هم پیوسته است.

دو دسته این محور با حرف عاطفه «فاء» در آیه «أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ» به هم پیوند خورده‌اند.

بنابراین، با توجه به تک‌محوری این سوره و ارتباط تنگاتنگ لفظی، اسلوبی و محتوایی آیات با یکدیگر، می‌توان وحدت نزول آن پذیرفت که به یکباره بر پیامبر ﷺ نازل شده است.

(ج) کثرت فواصل (حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۶۸) که خود این ویژگی به کوتاهی سوره می‌انجامد. بدون شک در سوره عادیات این ویژگی نمود دارد.

د) تعبیر و وزن و سجع نیرومند (حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۶۸). این ویژگی به طور دقیق در سوره عادیات وجود دارد؛ مانند «ضبحاً، قدحاً، صبحاً، تقعاً، جمعا» و «شهید، شدید، خبیر» و «کنود، قبور، صدور» در پایان آیات.

### ۲.۲.۵. سوره عادیات در چارچوب ویژگی‌های موضوعی سوره‌های مکی

الف) تثبیت اصول اعتقادی: قرآن مکی بیشتر سه معنا را گزارش می‌کند: یکی اثبات توحید خداوند و نفی شرک و بت پرستی، دوم تثبیت نبوت نبی اکرم ﷺ و جهانی بودن رسالت ایشان، و سوم اثبات امر قیامت و جهان آخرت. پس از این سه، ترغیب و ترهیب، امثال و قصص، ذکر بهشت و دوزخ، و توصیف روز قیامت می‌آید (شاطبی، بی تا، ج ۳، ص ۴۱۶؛ زرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۲؛ حسین احمد، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۶۹). در آیات «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» (عادیات: ۶ و ۱۱) سخن از توحید است که انسان در برابر پروردگارش ناسپاس است و در آیه یازدهم می‌فرماید: خداوند از احوال آنها آگاه است. یا سخن از معاد و برزخ که در آیه «أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ» (عادیات: ۹) مطرح شده است.

ب) دعوت به اصول اخلاقی و حقوق اجتماعی: در این سوره‌ها، اخلاق ناپسندی چون کفر، گناه، سرکشی و سخت‌دلی، و نیز اخلاق پسندیده‌ای همچون ایمان، اطاعت، علم و محبت، رحمت و اخلاص طرح می‌گردد (زرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳). در آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» (عادیات: ۶) سخن از اخلاق ناپسند است و در آیه «إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ» (عادیات: ۱۱) خداوند انسان را ترغیب می‌کند که گواهی دهد خداوند همه چیز را می‌داند.

ج) سخن از عادات و رسوم زشت و ناپسند: در سوره‌های مکی، از آداب و عادات زشت، مانند قتل، زنده به گور کردن دختران، آبروریزی و مال یتیم خواری سخن به میان است تا بدین وسیله، آن عادات را دور سازد (همانجاها). در سوره عادیات آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» (عادیات: ۶) از آداب زشت انسانی در برابر پروردگارش سخن به میان آمده است.



## ۶. ترسیم فضای نزول سوره عادیات

وحدت نزول سوره‌ها، اصلی پذیرفته شده است و تا زمانی که دلیلی مخالف این اصل پیدا نشود، وحدت نزول سوره مفروض گرفته می‌شود. این اصل در سوره‌های کوچک و تک‌محوری همواره برقرار است؛ زیرا در سوره‌های تک‌محوری، آیات، هم از نظر لفظی و اسلوبی به هم پیوند خورده‌اند و هم از نظر محتوایی و موضوعی به هم وابسته‌اند. بنابراین، چنانچه این پیوند و ارتباط برای سوره عادیات که از سوره‌های کوچک قرآن است، ثابت شود، اصل مفروض وحدت نزول درباره آن بدون هیچ مخالفتی برقرار خواهد بود.

سوره عادیات با هدف هشدار به انسان به دلیل ناسپاسی او در برابر پروردگارش، از راه یادآوری آگاهی خداوند به حال او در روز رستاخیز نازل شده است. از این سوره برمی‌آید که انسان با غفلت از آگاهی خداوند از او، به ناسپاسی و کفران نعمت دچار می‌شود و آنچه او را از این گرفتاری رهایی می‌دهد، توجه به آگاهی خداوند از حال او در روز رستاخیز است. این سوره برای رسیدن به این هدف، در دو دسته از آیات طراحی شده است:

دسته نخست (آیات یکم تا هشتم): در این دسته، نخست به شترانی که در راه عبادت خدا، عرفه تا مُزدلفه و منا را پشت سر می‌گذارند، سوگند یاد شده است و در جواب سوگند، به ناسپاسی انسان در برابر پروردگارش اشاره می‌کند که انسان خود بر ناسپاسی‌اش آگاه است و این ناسپاسی از آن‌روست که به مال و منال دنیا دل بسته است.

ذکر پنج جمله قسم در بخش آغازین سوره، از اهمیت و عظمت جواب قسم خبر می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت این آیات ناظر به فضای اعتقادی و عملی جامعه نزول سوره نازل شده است که با انکار ربوبیت خداوند، عبادات خود را به پای بت‌های دست‌ساز خویش می‌ریختند و آنها را پروردگار جهانیان می‌دانستند: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ».

تأکید بر پروردگاری خداوند از این‌روست که مردم بت‌پرست مکه، آفریدگاری خداوند را باور داشتند، ولی پروردگاری‌اش را نمی‌پذیرفتند و بر این باور بودند که خداوند پس از آفرینش جهان، کار تدبیر و اداره آن را به آفریده‌هایی چون فرشتگان، بت‌ها، جنیان و ...

واگذار کرده است. تأکید این سوره بر موضوع ربوبیت تا بدانجاست که تنها با این صفت از خداوند یاد می‌کند.

آیات پایانی این دسته، آگاهی انسان را به ناسپاسی در برابر پروردگار یادآور می‌شود: «وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ» و این ناسپاسی را برخاسته از مال‌دوستی و دنیاپرستی انسان می‌داند: «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ». این آیات به‌درستی بر برجسته‌ترین ویژگی مشرکان مکه دست می‌گذارد و آن را به‌عنوان ریشه ناسپاسی آنها در برابر پروردگار برمی‌شمارد. از این‌رو، اعراب را نمونه کامل انسان طمعکار و حریص دانسته‌اند که علاقه وافر به مادیات داشتند؛ به‌گونه‌ای که آنان به هر چه می‌نگریستند، منافع آن را در نظر می‌آوردند (سبحانی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۵).

دسته دوم (آیات نهم تا یازدهم): در این دسته از آیات هشدارهایی بر انسان ناسپاس وارد می‌شود که آیا از آگاهی خداوند به انسان در روز رستاخیز خبر ندارد. گویی آنچه انسان را به ناسپاسی در برابر پروردگارش کشانده، غفلت از آگاهی خداوند به او در روز رستاخیز است.

این سوره بعد از سوره عصر نازل شده است. سوره عصر نیز همچون بسیاری از سوره‌های مکی با سوگند آغاز می‌شود تا انسان را درباره زیان احتمالی هشدار دهد و راه جلوگیری از این زیان را به انسان یادآور می‌شود که تنها راه آن، ایمان و عمل صالح و سفارش به حق و صبر است. سوره بعدی نیز با همین شیوه قسم آغاز می‌شود و باز با زبان هشدار و تهدید، انسان را به کفران و ناسپاسی‌اش یادآور می‌شود. گویی سوره‌های مکی پیش و پیش از هرگونه تبشیر و بشارت، با زبان هشدار و تهدید با مشرکان مکه رویارو شده است و این از آن‌روست که مشرکان نخست باید از عقاید و باورهای باطل و پوچ خود دست بردارند تا بتوانند آیین اسلام را پذیرا باشند.

بنابراین، می‌توان محتوای سوره را این‌گونه جمع‌بندی کرد که با ذکر سوگندهای پنجگانه، ناسپاسی انسان را در برابر پروردگار یادآور می‌شود، با اینکه همه این شور و نشاط و دارایی وی داده خداوند به اوست. در ادامه، سوره تلویحاً با زبان هشدار و تهدید، انسان ناسپاس را

به روز رستاخیز تهدید می‌کند که خداوند به حال انسان در آن روز آگاه است. باری، پذیرش ربوبیت خداوند با منافع مادی آنها در تضاد بوده است و آنها را از رسیدن به منافعشان باز می‌داشته است؛ از این رو، حاضر نبودند به پروردگاری خداوند تن دهند.

این سوره دارای آیات تاریخ‌دار و زمان‌دار نیست و به واقعه و حادثه خاصی اشاره نکرده است. با گسترش روحیه دنیادوستی و مال‌پرستی در جامعه مکه، سوره عادیات نازل شد و با سوگندهای پنجگانه، زشتی و پستی این روحیه را بدانها یادآور گردید و ایشان را به عذاب روز رستاخیز هشدار داد. این سوره نازل شد تا مشرکان را از عقیده پست دنیادوستی بازدارد تا از این راه، ظرفیت و زمینه پذیرش پروردگاری خداوند را در آنها پدید آورد.

از آیات قرآن برمی‌آید که گویی «حب خیر» اصطلاح خاصی است که به معنای دنیادوستی به کار برده می‌شود. در آیه «فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» (ص: ۳۲) اصطلاح حب خیر به همین معنای دنیادوستی و دنیا‌شیفتگی به کار رفته است. شگفت این‌که در این آیه نیز خیر به اسباب اصیل «الصفات الجیاد» در آیه پیشین برمی‌گردد؛ همان‌گونه در سوره عادیات نیز آیات آغازین سوره، به اسبابی اشاره دارد که سراسر شور و نشاط‌اند و نظر هر انسانی را شیفته خود می‌سازند. شاید اشاره به اسب در این سوره، برخاسته از جایگاهی است که این اسب در فرهنگ و زندگی جاهلیت و مشرکان مکه داشته است. آری! این بدترین و فسادبارترین اعتقاد مشرکان بود که به جای خداوند، بت‌ها را می‌پرستیدند و این اعتقاد در زشت‌ترین و آسیب‌بارترین ویژگی آنها به نام دنیادوستی و مال‌اندوزی ریشه داشت.

برخی از آیات، ویژگی‌های مشرکان مکه را تصویر می‌کند که در برابر پروردگار خویش ناسپاس‌اند و دل در گرو مال و منال دنیا گذاشته‌اند. این آیات، فضای اعتقادی و اجتماعی مکه را در دوره نزول سوره تصویر می‌کند که به پروردگار هستی ناسپاسی می‌کنند و موجودات دیگری را به جای پروردگار می‌پرستند. سوره، ریشه این کج‌اعتقادی را در دنیا‌پرستی و مال‌دوستی مشرکان می‌داند که اجازه تشخیص درست را از آنها گرفته

است. از این رو، روایتی از پیامبر رسیده است که «کنود» را انسانی معرفی کرده است که به تنهایی می خورد و به برده و زیردستش بخشش ندارد (قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۲۱، ص ۱۶۰) و شاید بر پایه همین روایت، برخی از تفاسیر، مشرکان مکه را انسان‌هایی حریص به زندگی دنیا دانسته‌اند (حسینی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۴۹).

### نتیجه گیری

با بررسی و دقت در روایات ترتیب نزول و روایات صحیح سبب نزول و ضوابط و ویژگی‌های سوره‌ها و نیز نظر مفسران و دانشمندان علوم قرآن درباره زمان نزول سوره عادیات، مکی بودن آن به دست می‌آید. همچنین، درباره روایات سبب نزولی که مدنی بودن سوره را گزارش کرده‌اند و آن را با برخی سوره‌ها و غزوه ذات السلاسل مرتبط دانسته‌اند، می‌توان گفت: در سند آنها افرادی ضعیف و ناموثق هستند یا روایت آنها به‌طور مرسل بیان شده است. بنابراین، به این روایات نمی‌توان به‌عنوان روایت سبب نزول سوره اعتماد کرد؛ اما روایات دال بر مکی بودن سوره به‌لحاظ سندی و متنی متقن‌تر است.

از نظر محتوا سوره عادیات صحنه معاد و قیامت را ترسیم می‌کند که به تقویت دیدگاه مکی بودن سوره می‌انجامد. از طرفی درباره دلایلی که بر مدنی بودن سوره مبنی بر اشاره به اسبان جنگی در دوران وجوب جهاد - که در مدینه بوده - آورده می‌شود، می‌توان گفت همان‌گونه که در روایات صحیح و روایتی به نقل از امام علی علیه السلام بدان اشاره شده، عادیات وصفی برای شتران حج است. اگر عادیات را به معنای اسبان جنگی نیز بگیریم، این معنا مستلزم اشاره آیات به پدیده جهاد و در نتیجه مدنی بودن سوره نخواهد بود؛ بلکه اشاره آیات به اسب جنگی است که با اسب جهادی متفاوت است؛ زیرا اسب جنگی جایگاه مهمی در فرهنگ و زندگی جاهلیت داشته است و بنابراین، خداوند در دوران مکه بدان سوگند یاد کرده است. از دیگر سو، اسلوب و موضوع سوره عادیات با ویژگی‌های اسلوبی و موضوعی سوره‌های مکی همخوانی بیشتری دارد؛ از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به کوتاهی آیات، کثرت فواصل، تأکید بسیار، تثبیت اصول اعتقادی و ... اشاره کرد.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۱. ابن حجر عسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی (۱۳۲۶ق)، تهذیب التهذیب، هند: مطبعة دائرة المعارف النظامية.
  ۲. ابن جزى غرناطی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، كتاب التسهيل لعلوم التنزيل، تحقيق عبدالله خالدی، بیروت: شرکت دار الارقم بن ابی الارقم.
  ۳. ابن جوزی ابوالفرج، عبدالرحمان بن علی (۱۴۲۲ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقيق عبدالرزاق المهدي، بیروت: دارالكتاب العربي.
  ۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۲ق)، فنون الافنان فی عجائب علوم القرآن، بیروت: مؤسسه الكتب الثقافیه.
  ۵. ابن ضریس، ابو عبدالله محمد بن ایوب بحلی (۱۴۰۸ق)، فضائل القرآن و ما انزل من القرآن بمکه و ما انزل بالمدينه، دمشق: دار الفكر.
  ۶. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحرير و التنوير، بی جا: بی نا.
  ۷. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیه.
  ۸. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، تحقيق محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
  ۹. ابن منظور الافریقی المصری، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم: أدب الحوزة.
  ۱۰. ابن الندیم البغدادی، أبو الفرج محمد بن ابی یعقوب اسحق (بی تا)، فهرست ابن الندیم، تحقيق رضا تجدد، مصر: شهيد علی پاشا.
  ۱۱. ابن واضح یعقوبی، أحمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صادر.

۱۲. بغدادی، علاء‌الدین علی بن محمد (۱۴۱۵)، *لباب التأویل فی معانی التأویل (تفسیر خازن)*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۳. بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، به کوشش: شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
۱۴. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵ق)، *دلائل النبوة*، تعلیق عبدالمعطی قلجعی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۵. بنت الشاطی، عایشه (بی تا)، *التفسیر البیانى للقرآن الکریم*، قاهره: دارالمعارف، چاپ هفتم.
۱۶. ثعالبی، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۸ق)، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
۱۷. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
۱۸. جفری، آرتور (۱۳۹۲)، *مقدمتان فی علوم القرآن*، قاهره: مکتبه الخانجی.
۱۹. حسین احمد، عبدالرزاق (۱۴۲۰)، *المکی و المدنی فی القرآن الکریم*، قاهره: دار ابن عفان.
۲۰. حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین علی (۱۴۰۹ق)، *تأویل الآیات الظاهره*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. حلّی، حسن بن یوسف بن علی (۱۳۸۱ق)، *خلاصه الاقوال*، نجف: مطبعة الحیدریه.
۲۲. حنبلی دمشقی، سراج‌الدین (۱۴۱۹ق)، *اللباب فی علوم الكتاب*، تحقیق شیخ عادل احمد عبد الموجود و الشیخ علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳ق)، *التفسیر الحدیث*، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
۲۴. دمشقی، ابن کثیر اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۵. ذهبی، شمس‌الدین أبو عبدالله محمد بن أحمد (۱۴۰۲ق)، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، بیروت: دارالمعرفه للطباعة و النشر.
۲۶. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۲۷. رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۲۲ق)، *التفسیر الوسیط*، دمشق: دارالفکر.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۸ق)، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعہ و المنهج*، بیروت: دارالفکر المعاصر.
۳۰. زرقانی، محمد عبد العظیم (بی تا)، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بی جا: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. زرکلی، خیرالدین بن محمود (۲۰۰۲م)، *الأعلام*، دمشق: دارالعلم للملایین.
۳۲. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتاب العربی.
۳۳. زهری، محمد بن مسلم (۱۴۱۱ق)، *الناسخ و المنسوخ و تنزیل القرآن بمکه و المدینة*، به کوشش حاتم صالح ضامن، بغداد: وزارت آموزش عالی.
۳۴. سبجانی، جعفر (۱۳۶۴)، *فروع ابدیت*، قم: دانش اسلامی.
۳۵. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد (بی تا)، *بحر العلوم*، بی جا: بی نا.
۳۶. سمعانی، منصور بن محمد (۱۴۱۸ق)، *التفسیر القرآن*، تحقیق یاسر بن ابراهیم، سعودیه: دارالوطن.
۳۷. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۳۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۱ق)، *الإتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دار الکتب العربی.
۳۹. شاطبی، ابراهیم بن موسی (بی تا)، *الموافقات فی اصول الفقه*، به کوشش عبدالله دراز، بیروت: دارالمعرفة.
۴۰. شبستری، عبدالحسین (۱۴۱۸ق)، *الفایق فی رواة واصحاب الامام الصادق علیه السلام*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين لقم.
۴۱. شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، *فتح القدير*، دمشق: دار ابن کثیر.
۴۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۷۶)، *مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار*، تحقیق محمدعلی آذرشب، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.

۴۳. صبیحی، صالح (۱۳۷۲)، مباحث فی علوم القرآن، قم: منشورات الرضی.
۴۴. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی علوم القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۴۶. ابوجعفر محمد بن جریر (۴۲۰ق)، جامع البیان عن تاویل القرآن، قم: دارالفکر.
۴۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث.
۴۸. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۸۴)، الجامع لاحکام القرآن، قاهره: دارالکتب المصریه.
۴۹. ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق)، تفسیر الماتریدی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۰. ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، النکت والعیون، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۱. مجلسی، محمدباقر (بی تا)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، تهران: موسسه الوفاء.
۵۲. مظهری، محمد ثناءالله (۱۴۱۲ق)، تفسیر المظهری، پاکستان: مکتب رشدیہ.
۵۳. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵ق)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، سوگندهای پر بار قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۵۵. نمازی شاهرودی، علی بن محمد (۱۳۶۴)، مستدرک سفینه البحار، بی جا: موسسه النشر الاسلامی.
۵۶. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن (۱۴۱۵ق)، ایجاز البیان عن معانی القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۷. واحدی نیشابوری، ابوالحسن (۱۴۱۲ق)، اسباب النزول القرآن، بی جا: دارالاصلاح.